

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

اختر شمار

نخورده باشم مگر هیچ شیر مادر را
که تا دوباره نبوسم دهان ساغر را

ترا به من سر مهر و وفا بدان ماند
که تا به کعبه مسلمان کنند کافر را

لبت چو قند، مکرر مکیده آب کنم
اگر بدست من آرند این مکرر را

به آب توبه مگر شسته اند دامن من
که ساقی از کف من دور کرد ساغر را

تو شاد باش، اگرچه به شعله های فراق
شبانہ یکـــه و تنها شمارم اختر را

مقدر است که جان در ره تو بسپارم
بگیر تیغ و بجا ساز این مقدر را

زحد گذشت غم و محنت فراق، ولی
به دوش میکشم این درد نابرابر را

نگار از پی قتل نشسته است به جنگ
رها نمیکم آسان، کنار سنگر را

ز من پرس که زاهد دگر چه میگوید؟
که نزد من سخنش داده رنگ و جوهر را

«اسیر» نام رقیب از چه میبری بزبان؟

مگو که نام وی آلوده ساخت دفتر را

(شهر بن - المان، جولای ۱۹۹۵م)